



## جایگاه آزادی عقیده و بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

**کلیدواژه:** آزادی عقیده، آزادی بیان، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

**پرسش:** جایگاه آزادی اندیشه و بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر چگونه است و کشورهای اسلامی چه موضعی در مورد آن داشته‌اند؟

**پاسخ:** با توجه به ماده ۲۲، روشن می‌شود که **آزادی بیان** فی حد نفسه مطلوب نیست؛ یعنی «آزادی بیان» نه از آن جهت که «آزادی» است، بلکه از آن جهت که در راستای اهداف عالی واقع می‌شود، مورد نظر اسلام است. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم دید **غرب** به «انسان» با دید اسلام به «انسان» با یکدیگر دارای تفاوت ماهوی هستند. یکی یک‌سونگر و دیگری همه‌جانبه‌نگر، یکی مادی‌نگر و دیگری ملاحظه‌مادیات همراه معنویات، و در یک کلام، دنیا در راستای سعادت اخروی، مورد توجه اسلام است. بر این اساس این «آزادی بیان» صرفاً به عنوان یک امر **مباح** صرف نیست؛ بلکه امر تکلیفی و الزامی نیز هست. چه آن‌که امر مباح جایزالتکرر است؛ ولی امر تکلیفی لازمالاتبیان.

البته **تکلیف** در مقابل **حق** است. تکلیف در آن صورت خواسته می‌شود که حقی داده شده باشد. بنابراین انسانی که دارای قدرت، **علم** و توانایی‌هایی دیگر است که از «آزادی بیان» در جهت **رشد** و ترقی جامعه استفاده کند، البته از آنجایی که دولت درصدد است و توانایی او در **مقام** عمل زیاد است، تکلیف او در **امر به معروف و نهی از منکر** قوی‌تر است؛ ولی این بدان معنی نیست که این وظیفه تنها متوجه دولت باشد، بلکه همگان در این امر، مسئولیت دارند. همچنین اهمیت ارزش‌های اخلاقی، برای یک انسان، کمتر از امور مادی نیست و همواره باید موازنه‌ای بین آن برقرار باشد؛ بنابراین **تبلیغ**، یعنی استفاده از «آزادی بیان» به عنوان احیاءکننده معنویات، **اخلاق** و ارزش‌های متعالی ضرورت پیدا می‌کند. حال که ضرورت آن ثابت شد، باید گفت این ضرورت انحصاراً در تحت قدرت یک فرد، یا گروهی خاص نیست؛ بلکه عموم افراد باید در آن مشارکت داشته باشند، دولت، مردم، احزاب و گروه‌ها و ... به گونه‌ای که آن هدف متعالی در سایه تلاش‌های همگانی حاصل گردد؛ ازاین‌رو تبلیغ و استفاده از «آزادی بیان» برای مقابله با مقدسات و ارزش‌های والا ممنوع خواهد بود؛ البته مراد از ارزش‌ها، تنها ارزش‌های دینی نیست؛ بلکه آن ارزش‌های ملی و مردمی که ضدی با اسلام ندارد هم مورد نظر است. در یک **کلام**، «آزادی بیان» وقتی مطلوب است که عقاید دینی مردم را مورد تبلیغات مسموم قرار ندهد.

از نظر تدوین‌کنندگان اعلامیه حقوق بشر اسلام، آزادی بیان باید در راستای تحکیم این علاقه‌های ملی باشد. بنابراین استفاده از آزادی بیان در جهت **تفرقه** و از بین بردن وحدت ملی، مصداق بارز سوءاستفاده از «آزادی بیان» است.

و نیز از نظر تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر، که به **دین** و ارزش‌های اخلاقی توجهی ندارند، فرقی نمی‌کند که این «آزادی بیان» در ضدی با تعالیم دینی هست یا نه. طبیعی است آنهایی که سکولار می‌اندیشند و قائل به **جدایی دین از سیاست** هستند، دین را به امور عبادی و زندگی فردی خلاصه نمایند و در زندگی اجتماعی آنها، اثری از دیانت نمی‌توان یافت. آنچه که برای آنها اصل است، رسیدن به اهداف مادی و ارضای خواسته‌های شهوانی است؛ درحالی‌که از نظر اسلام، «آزادی بیان» نباید اصول شرعی را مورد خدشه قرار دهد.

همچنین نکته مهم این است که اگر «آزادی بیان» برای ترویج عقاید باطله باشد، مذموم است و باید از آن جلوگیری می‌شود و البته باید در مرحله اول، از «بیان» سود جست که عبارت باشد از «جدال احسن».

براساس ماده ۲۴ و ماده ۲۵ اعلامیه بشر اسلامی، ملاک جامعه، همان «**شریعت** و **دین**» است و از «آزادی بیان» و تبلیغ، در راستای این هدف متعالی ترویج می‌شود.

### فهرست مندرجات

۱ - موضع اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره آزادی عقیده و بیان

۱.۱ - انسان از دیدگاه غرب و اسلام

۱.۱.۱ - کلام خداوند متعال

۱.۲ - احساسی بودن اعلامیه

۱.۲.۱ - تبعیض‌آمیز بودن آزادی

عقیده و بیان

۱.۲ - نگاهی نو به اعلامیه جهانی حقوق

بشر

۲ - توجه به مسئله جدایی دین از سیاست

۳ - اعلامیه جهانی حقوق بشر و آزادی عقیده

و بیان

۳.۱ - ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق

بشر

۳.۲ - ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق

بشر

۳.۲ - ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق

بشر

۳.۴ - ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق

بشر

۴ - محدودیت‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر

۴.۱ - آزادی و تکلیف

۴.۲ - محدودیت با قانون

۴.۲ - عامل نبودن آزادی در برابر نظام

اجتماعی

۴.۴ - مخالف نبودن آزادی با اصول ملل

متحد

۵ - اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام و آزادی

عقیده و بیان
۵.۱ - ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی
۵.۱.۱ - بیان نظرات
۵.۱.۲ - دعوت به خیر
۵.۱.۳ - ممنوع بودن تبلیغات منفی
۵.۱.۴ - جایز نبودن برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی
۵.۲ - ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام
۵.۲.۱ - از بین بردن آرا و عقاید بی‌اساس
۵.۳ - ماده ۲۴ اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام
۵.۳.۱ - همه حقوق مشروط به احکام اسلامی
۵.۳.۲ - استفاده از قاعده الزام
۵.۴ - ماده ۴۵ اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام
۵.۵ - تبصره ۱
۵.۶ - تبصره ۲
۶ - توضیحات درباره ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی
۶.۱ - آزادی بیان در راستای امر به معروف و نهی از منکر
۶.۱.۱ - تکلیف و حق
۶.۲ - آزادی بیان در راستای تبلیغ
۶.۲.۱ - بیان یک نکته
۶.۳ - آزادی بیان در راستای تحکیم روابط اجتماعی
۶.۴ - آزادی بیان در راستای تحکیم اصول شرعی
۶.۴.۱ - مراحل و مراتب امر به معروف
۷ - کتابنامه
۸ - پانویس
۹ - منبع

## موضع اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره آزادی عقیده و بیان

«اعلامیه جهانی حقوق بشر»، در چند ماده به اهمیت «آزادی عقیده و بیان» تأکید دارد. در این‌جا لازم است چند نکته در ارتباط با کل این اعلامیه، که آزادی‌های گوناگون را بیان کرده است، متذکر شویم:

### ← انسان از دیدگاه غرب و اسلام

این اعلامیه برای «انسان» نوشته شده است. باید دید که از دیدگاه غرب، این «انسان» چه انسانی است. اگر معنای این لفظ روشن شود، آنگاه ارزش و اعتبار حقوق و مزایایی که برای این انسان در نظر گرفته شده است، روشن می‌شود. با بررسی این اعلامیه کاملاً روشن می‌شود که به بشر در این اعلامیه با دید مادی نگریسته شده است و تمام ارزش‌های معنوی و اخلاقی او، در نظر گرفته نشده است و تنها نیازهای مادی انسان بدون توجه به نیازهای معنوی و ارزش‌های اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است که با این نگرش هر نوع آزادی که در این اعلامیه بیان شده، آن نوع خاص است که آن اهداف مادی را تأمین نماید. درحالی‌که از نظر اسلام، انسان دارای کرامت و ارزش ذاتی است.

### ← کلام خداوند متعال

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالتَّحْرُورَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً»؛ [۱] «ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آنها را به خشکی و دریا سوار کردیم (و جهان جسم و جان را مسخر انسان ساختیم) و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم».

بنابراین از نظر قرآن کریم، نه تنها انسان دارای کرامت ذاتی است، بلکه بر بسیاری از مخلوقات برتری داده شده است؛ از این‌رو همه چیز در همین امور مادی خلاصه نمی‌شود. به عبارت دیگر، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است که ارضای تمایلات مادی او نباید در ضدیت با ارزش‌های معنوی باشد. آزادی بی‌حدوحصر در بُعد بیان و ... چنانچه در راستای آن «کرامت نفسانی» باشد، مطلوبیت خواهد داشت.

### ← احساسی بودن اعلامیه

این اعلامیه به صورت احساسی و همراه با ترجم و عواطف نگاشته شده است. به عبارت دیگر، اهداف آرمانی برای انسان لحاظ شده است؛ مثل همزیستی مسالمت‌آمیز، صلح، آزادی و عدالت که فی حد نفسه اموری مطلوب به نظر می‌رسد؛ ولی استفاده از احساسات فطری بشری، برآورنده نیاز حقیقی انسان‌ها نخواهد بود. از سوی دیگر، چنانچه یک نظام حقوقی والا به صورت نوشته تنظیم شود، تنها تا اندازه‌ای از بعد ثنوری، مشکل حل شده است؛ ولی در بعد عمل، از دو جهت مشکل دارد: ۱. تبعیض؛ ۲. عدم آمادگی اجتماعی.

### ← تبعیض‌آمیز بودن آزادی عقیده و بیان

آزادی عقیده و بیان، در عمل به صورت تبعیض‌آمیز اجرا می‌شود و همه انسان‌ها به طور مساوی از آن بهره‌مند نیستند. بنگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی غرب، با استفاده از بهترین وسایل، تمام ارزش‌های مطلوب خود را، به عنوان آزادی بیان ارائه می‌دهند؛ ولی صدایی از ارزش‌های مطلوب سایر ملل به جایی نمی‌رسد.

### ← نگاهی نو به اعلامیه جهانی حقوق بشر

به لحاظ تاریخی، می‌بایستی نگاهی به اعلامیه جهانی حقوق بشر افکنده شود. در برهه‌ای از تاریخ (قرون وسطا) هیچ حقی برای انسان‌ها قائل نبودند. حتی بیان مطالب علمی و دست‌آورد‌های تحقیقاتی، کفر تلقی می‌شد. آزادی بیان به هیچ نحو رعایت نمی‌شد. به تدریج شورش‌ها و انقلاب‌ها به وجود آمد و مردم از قید و حصار کلیسا آزاد گشتند؛ ولی این بار، دچار نوعی افراط در آزادی‌ها شدند. به عبارت دیگر، آزادی‌های مطلق و بی‌حدوحصر، بازتاب دوره‌های سخت قرون وسطا بوده است که باید گفت که هر دو روش خطاست و هیچ‌کدام از آن دو نمی‌تواند بیانگر کرامت انسان باشد. یکی راه تقریب و دیگری راه افراط را پیموده است.

### توجه به مسئله جدایی دین از سیاست

نکته مهم و در خور توجه، مسئله «**حدایی دین از سیاست**» است. این اندیشه که در قرون اخیر، از سوی غرب نشنت گرفته، تمام تعالیم آسمانی را مورد هدف قرار داده و «**دین**» را از حالت جهانی بودن، به یکسری توصیه‌های اخلاقی صرف تبدیل کرده‌اند. سیاست‌مداران دنیاطلب، این اندیشه را رواج داده و دین و مذهب را به کناری نهاده‌اند. بدیهی است که از نظر اینان که بی‌توجه به عقاید دینی هستند، آزادی مطلق در ابعاد گوناگون را مطرح ساختند. از نظر آنان، که «**سکولار**» می‌اندیشند، «**سکولار**» زندگی می‌کنند، چه اهمیتی دارد که این آزادی غربی، تمام ارزش‌های دینی و اخلاقی را مورد هدف قرار بدهد یا نه؟

از نظر اسلام، دین در عینیت جامعه و عاملی برای بهبود تمام رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و تنها در امور عبادی خلاصه نمی‌شود؛ از این رو «**آزادی‌های مطلق**» به گونه‌ای که اهداف عالی و تعالیم آسمانی را مورد **استهزا** و بی‌توجهی قرار دهد، نمی‌تواند از نظر اسلام امری مطلوب باشد؛ بلکه این آزادی باید در چهارچوب صحیح قرار گرفته تا **هدف خلقت** که استكمال و تعالی انسان و رسیدن به سوی «**تقرب الهی**» است، تأمین گردد.

## اعلامیه جهانی حقوق بشر و آزادی عقیده و بیان

در این فصل، مواردی از «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را که متضمن آزادی بیان و عقیده است، متذکر می‌شویم و نیز دو ماده دیگر که در ارتباط با بحث ماست، یادآور می‌شویم، در پایان به بررسی این مواد می‌پردازیم:

### ← ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر

«هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق، منفرداً یا مجتمعاً، به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.»

### ← ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

«هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظاتی ممری، آزاد باشد.»

### ← ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

براساس این ماده، [۴] [۵] «هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل **شخصیت** او را میسر سازد. [۴] [۵] هر کس در اجرای قانون و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است. این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نمی‌تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا شود.»

### ← ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر

«هیچ‌یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری **تفسیر** شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در آن راه فعالیت بکنند.» [۶]

## محدودیت‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر

با اندک توجه در مواد این اعلامیه، معلوم می‌شود که از نظر تدوین‌کنندگان این اعلامیه، این مطلب دور نبوده که این آزادی‌ها که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است، مورد سوء استفاده واقع خواهد شد و در واقع عده‌ای از این آزادی برای «سلب آزادی» سود خواهند جست؛ از این رو در مواد ۲۹ و ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، محدودیت‌هایی برای آن بیان داشته است که به موارد آن به طور کلی اشاره می‌شود:

### ← آزادی و تکلیف

این «آزادی» در مقابل **تکلیف** است؛ همانند یک ترازو که دارای دو کفه است که باید به موازات یکدیگر باشد؛ چنانچه یکی از کفه‌ها، بیش از حد به یک طرف متمایل شود؛ یعنی «آزادی‌ها» بی‌حدوحصر باشد یا «تکلیف» فوق‌العاده باشد، این روش متضمن اهداف تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست.

### ← محدودیت با قانون

این «آزادی» می‌بایستی به وسیله قانون محدود شود؛ چون اگر محدودیت معقول در مقابل این آزادی مطلق وجود نداشته باشد، وسیله‌ای برای تضعیف حقوق دیگران خواهد شد؛ لذا اعلامیه تأکید دارد که آزادی می‌بایستی به وسیله قانون محدود شود.

### ← عامل نبودن آزادی در برابر نظام اجتماعی

از نظر تدوین‌کنندگان اعلامیه، آزادی مندرج در اعلامیه، نیابستی عاملی در مقابل نظام اجتماعی و مصلحت عمومی باشد؛ چه در این صورت فقط یک شخص یا گروهی از **آزادی**، آن هم به نحو مطلق و بی‌حدوحصر از آن بهره‌مند هستند و اکثریت جامعه فقط از شعار گوش‌خراش آزادی بهره می‌برند؛ ولی از محتوای آزادی و حقیقت آن خبری نیست.

### ← مخالف نبودن آزادی با اصول ملل متحد

آزادی مندرج در اعلامیه، نیابستی برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد باشد. چه بسا حاکمان یک کشور یا کشورهای، آزادی را برای کشور خود می‌خواهند و بقیه کشورهای در ذلت و خواری و فقدان کامل از نعمت‌های الهی به سر می‌برند؛ از این رو ماده ۲۹ اعلامیه، تأکید دارد که آزادی مطرح‌شده برای تمام ملل **جهان** بوده است و استفاده از آن به نحوی که متضمن اضرار و نابودی آزادی دیگر ملل باشد، مورد نظر تدوین‌کنندگان اعلامیه نیست.

## اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام و آزادی عقیده و بیان

نخست مواردی از اعلامیه حقوق بشر اسلامی که مورد نظر ماست، می‌آوریم، آن‌گاه خواهیم دید که تدوین‌کنندگان **مسلمانان**، با چه مبنا و ملاکی، به آزادی بیان و عقیده نگریسته‌اند.

### ← ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی

براساس این ماده:

### ← بیان نظرات

هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.

### ← دعوت به خیر

هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

### ← ممنوع بودن تبلیغات منفی

تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و **کرامت انبیا** یا به‌کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا زبان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

### ← جایز نبودن برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی

برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی شود، جایز نیست.

← ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام  
براساس این ماده:

← از بین بردن آرا و عقاید بی‌اساس

واجب است برای دولت و جامعه، از بین بردن آرا و عقاید بی‌اساس و ناشی از هواها و بدعت‌های بی‌اصل در جوامع اسلامی و، در صورت امکان از غیر جوامع اسلامی به وسیله بیان حکمت و موعظه نیکو و بحث و تحلیل و انتقاد با بهترین طرق واقع‌پایی، اگر اصحاب آرای عقاید باطله و بی‌اساس دست از انحراف کشیدند که جامعه در مسیر تکامل قرار می‌گیرد؛ ولی اگر اعتنایی به منطق و حکمت و دیگر توجیهاست درست نکردند، برای دولت و جامعه واجب است که از ترویج آن آرا و عقاید فاسد، برای سالم نگه داشتن معنویات و ذهنیات سالم مردم جامعه، جلوگیری کند با طرفی که مناسب اصول انسانی و اسلامی باشد.

← ماده ۲۴ اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام  
براساس این ماده:

← همه حقوق مشروط به احکام اسلامی

همه حقوق و آزادی‌های مقرر در این اعلامیه، مشروط به احکام شرع اسلامی است.

← استفاده از قاعده الزام

در جوامعی که مردم آنها به اسلام معتقد نیستند، از نظر حقوق و تکالیف، ملزم‌اند به آنچه که خود را به آن ملتزم می‌دانند. این حکم ناشی از قاعده معروف در اسلام است که می‌گوید: «الزُّمُّوْهُمَ بِمَا اِلٰزَمُوْهُمَ اِنْ كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ»؛ «آنان را به آنچه که خود را بدان ملتزم کرده‌اند، الزام کنید». [۷]

← ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام  
شریعت اسلام تنها مرجع تفسیر و توضیح همه مواد این اعلامیه است.

← تبصره ۱

بدان جهت که آرای عقاید فقهی در اسلام ممکن است در پاره‌ای از مواد این اعلامیه یا بعضی از بندهای آن مورد اختلاف باشد؛ لذا لازم است کشورهای اسلامی، سازمانی برای بحث و تحقیق درباره موارد اختلافات تشکیل دهد و از طریق برگزاری کنگره‌ها و سمینارها و دیگر اشکال تحقیق و بررسی، تا آنجا که می‌توانند مابین عقاید فقهی مربوط، اتفاق نظر یا تقریب وجود بیاورند.

← تبصره ۲

واجب است مقایسه‌ها و تطبیق‌های مستمر مابین حقوق بشر از دیدگاه غرب و حقوق بشر از دیدگاه اسلام و تعیین موارد اتفاق و اختلاف ما بین این دو نظام حقوقی.

## توضیحات درباره ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی

درباره ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، توضیحاتی را ارائه می‌دهیم:

← آزادی بیان در راستای امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به ماده ۲۲، بند الف و ب، روشن می‌شود که آزادی بیان فی حد نفسه مطلوب نیست؛ یعنی «آزادی بیان» نه از آن جهت که «آزادی» است، بلکه از آن جهت که در راستای اهداف عالی واقع می‌شود، مورد نظر اسلام است. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم دید غرب به «انسان» با دید اسلام به «انسان» با یکدیگر دارای تفاوت ماهوی هستند. یکی یک‌سونگر و دیگری همه‌جانبه‌نگر، یکی مادی‌نگر و دیگری ملاحظه‌مادیات همراه معنویات، و در یک کلام، دنیا در راستای سعادت اخروی، مورد توجه اسلام است («الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ»).

حال که معلوم شد «آزادی بیان» برای اهداف عالی و قرب الهی باید به کار برده شود، می‌گوییم که این «آزادی بیان» در راستای آن اهداف، صرفاً به عنوان یک امر مباح صرف نیست؛ بلکه امر تکلیفی و الزامی نیز هست. چه آن‌که امر مباح جایز‌الترک است؛ ولی امر تکلیفی لازم‌الانبات.

← تکلیف و حق

البته تکلیف در مقابل حق است. تکلیف در آن صورت خواسته می‌شود که حقی داده شده باشد که در بند الف ماده ۲۲، به این مهم توجه شده است: «این تکلیف، به اضافه شرط قدرت و علم به خیر و معروف و ... است»؛ بنابراین انسانی که دارای قدرت، علم و توانایی‌هایی دیگر است که از «آزادی بیان» در جهت رشد و ترقی جامعه استفاده نماید، البته از آنجایی که دولت درصدد است و توانایی او در مقام عمل زیاد است، تکلیف او در امر به معروف و نهی از منکر فزون‌تر است؛ ولی این بدان معنی نیست که این وظیفه تنها متوجه دولت باشد، بلکه همگان در این امر، مسئولیت دارند.

← آزادی بیان در راستای تبلیغ

اهمیت ارزش‌های اخلاقی، برای یک انسان، کمتر از امور مادی نیست و همواره می‌بایستی موازنه‌ای بین آن برقرار باشد؛ بنابراین تبلیغ، یعنی استفاده از «آزادی بیان» به عنوان احیاکننده معنویات، اخلاق و ارزش‌های متعالی ضرورت پیدا می‌کند. حال که ضرورت آن ثابت شد، باید گفت این ضرورت انحصاراً در تحت قدرت یک فرد، یا گروهی خاص نیست؛ بلکه عموم افراد می‌بایستی در آن مشارکت داشته باشند، دولت، مردم، احزاب و گروه‌ها و ... به گونه‌ای که آن هدف متعالی در سایه تلاش‌های همگانی حاصل گردد؛ از این رو تبلیغ و استفاده از «آزادی بیان» برای مقابله با مقدسات و ارزش‌های والا ممنوع خواهد بود؛ البته مراد از ارزش‌ها، تنها ارزش‌های دینی نیست؛ بلکه آن ارزش‌های ملی و مردمی که ضدی با اسلام ندارد هم مورد نظر است؛ چه این‌که این ارزش‌ها هم در ایجاد وحدت جامعه مؤثر است و در مقابل سوءاستفاده از آزادی بیان و هجوم به ارزش‌های مادی، موجب تفرقه و چنددستگی جامعه خواهد شد و ایجاد اختلاف در ضدیت کامل با تکامل و استكمال جامعه بشری است.

در یک کلام، «آزادی بیان» وقتی مطلوب است که عقاید دینی مردم را مورد تبلیغات مسموم قرار ندهد.

← بیان یک نکته

این نکته نیز قابل اهمیت است که وجود مقدسات (همچون خدا، پیامبر، قرآن، ولایت و ...) بدین معنی نیست که اصلاً در آن بحث و بررسی و کنکاش صورت نگیرد؛ چه این‌که از نظر اسلام، در اصول دین، تقلید روا نباشد و هر فرد مکلف به تحصیل علم و براهین متقن است. کتاب‌های زیادی در کلام، فلسفه، عقاید تدوین شده است که در پی اثبات معاد، ولایت و رسالت است. بنابراین راه برای تحقیق و رسیدن به واقع، برای هر کسی باز است و همین، از نظر اسلام مورد خواست و طلب است.

آن چیزی که مورد خدمت است، این است که شخص با استفاده از قدرت بیان، مطلب ناحق را در قالب الفاظ شیرین، آن هم برای عموم عرضه کند و اساس دین را در اذهان مردم مورد خدشه و تزلزل قرار دهد؛ درحالی‌که این مباحث می‌بایستی برای اهل آن، در مراکز علمی بیان شود، در آن صورت است که هرگونه شک و تردید، در اصول دین، بی‌پاسخ نخواهد ماند.

← آزادی بیان در راستای تحکیم روابط اجتماعی

امروزه، برخلاف گذشته، مردم مجبورند در کنار یکدیگر، در شهرها و مراکز پرجمعیت زندگی را سپری کنند. اندک تشابه و علاقه‌های مشترک، آنها را کنار هم جمع کرده است. هر کسی از یک قوم و قبیله‌ای و از یک نژاد متفاوت است. از نظر تدوین‌کنندگان اعلامیه حقوق بشر اسلام، آزادی بیان بایستی در راستای تحکیم این علاقه‌های ملی باشد. بنابراین استفاده از آزادی بیان در جهت تفرقه و از بین بردن وحدت ملی، مصادق بارز سوءاستفاده از «آزادی بیان» است.

← آزادی بیان در راستای تحکیم اصول شرعی

با توجه به ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام، آزادی بیان بایستی با اصول شرعی تعارض نداشته باشد. از نظر تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر، که به دین و ارزش‌های اخلاقی توجهی ندارند، فرقی نمی‌کند که این «آزادی بیان» در ضدیت با تعالیم دینی هست یا نه. طبیعی است آنهایی که سکولار می‌اندیشند و قائل به جدایی دین از سیاست هستند، دین را به امور عبادی و زندگی فردی خلاصه نمایند و در زندگی اجتماعی آنها، اثری از دینت نمی‌توان یافت. آنچه که برای آنها اصل است، رسیدن به اهداف مادی و ارضای خواسته‌های شهوانی است، در حالی که از نظر اسلام، «آزادی بیان» بایستی

اصول شرعیه را مورد خدشه قرار دهد. بند ب، از ماده ۲۲، اعلامیه حقوق بشر اسلامی، تأکید می‌کند «**نهی از منکر**» نه‌نهاد وظیفه دولت، بلکه وظیفه عموم افراد است. می‌بایستی از آرا و عقاید بی‌اساس و ناشی از هواها و بدعت‌های بی‌اصل جلوگیری کرد.

#### ← مراحل و مراتب امر به معروف

البته همان‌طور که در **فقه** آمده است، امر به معروف دارای مراحل و مراتب است که از مرتبه ضعیف‌تر شروع، و به مرحله شدیدتر ختم می‌شود. چنانچه با مرتبه ضعیف بتوان **امر به معروف** کرد و از منکر جلوگیری کرد، نبایستی متوسل به مرتبه شدیدتر شد؛ از این‌رو در بند ب، از ماده ۲۲ به این مهم توجه شده است که در ابتدا باید از «**بیان حکمت و موعظه**» نیکو و بحث و انتقاد با بهترین طرق واقع‌یابی» سود جست. چنانچه از منکر جلوگیری شد و اصحاب آرای باطله دست از **انحراف** کشیدند، **هدف** حاصل شده است؛ ولی اگر اعتنایی به **منطق و حکمت** و توجیحات راستین نکنند، بایستی با استفاده از مراتب شدید، از این افراد جلوگیری آید.

آنچه که مهم است این است که اگر «آزادی بیان» برای ترویج عقاید باطله باشد، مذموم است و باید از آن جلوگیری می‌شود و البته بایستی در مرحله اول، از «بیان» سود جست که عبارت باشد از «**جدال احسن**».

هدف از این اقدامات در بند ب ماده ۲۲ بیان شده است: «برای سالم نگهداشتن معنویات و ذهنیات سالم مردم جامعه». ماده ۲۴، و ماده ۲۵ از اعلامیه بشر اسلامی، تأکیدی بر آنچه گذشت، است؛ یعنی ملاک جامعه، همان «**شریعت و دین**» است و از «آزادی بیان» و **تبلیغ**، در راستای این هدف متعالی، ترویج می‌شود.

#### کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اخوان زنجانی، داریوش، «نکاتی درباره مسئولیت»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص ۴۸، سال ۷۳، ش ۸۱.
۳. بهرامی احمدی، حمید، «سوءاستفاده از حق»، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۶ ش.
۴. بوشهری، جعفر، «حقوق سیاسی»، تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ ش.
۵. جعفری تبریزی، مجدتقی، «تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر»، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰ ش.
۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، «گفتارهای حقوقی»، قم، قدس، ۱۳۷۱ ش.
۷. دونوا، آلن، «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ترجمه بزرگ نادرزاده، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص ۲۴، سال ۱۳۷۲، ش ۷۴ و ۷۳.
۸. ریکو، پل، «قدرت دولت و آزادی»، ترجمه کمال اطهاری، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص ۵۱، سال ۱۳۷۱، ش ۷۶ و ۷۵.
۹. رحیمی، مصطفی، «قدرت و رسالت مطبوعات»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۳۷۲، ش ۸۰ و ۷۹.
۱۰. شفاپی، «اسلام و حکومت»، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. شعبانی، قاسم، «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران»، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۳ ش.
۱۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. عالی‌خانی، مجد، «حقوق اساسی»، زنجان، دستان، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. عمید، حسن، «فرهنگ عمید»، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۶۰ ش.
۱۵. غدیری، حسن‌رضا، «نگاهی کوتاه به نظام سیاسی اسلام»، قم، کانون نشراندیشه‌های اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. قربانی، زین‌العابدین، «اسلام و حقوق بشر»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳، ۱۳۶۶ ش.
۱۷. قاضی، ابوالفضل، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش.
۱۸. قاضی ابوالفضل، «بایسته‌های حقوق اساسی»، تهران، یلدا، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. کرنستون، موریس، «تحلیل نوین از آزادی»، ترجمه جلال‌الدین اعلم، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. کاظمی، سیدعلی‌اصغر، «دموکراسی و پراگماتیسم»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص ۱۲، سال دهم، ش ۱۰۸ و ۱۰۷، ۱۳۷۵ ش.
۲۱. لاریجانی، مهدجواد، «حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی»، تهران، سروش، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. مهرپور، حسین، «دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی»، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. مرویت، جان، «تفکر انتقادی چیست؟»، ترجمه حمید عضدانلو، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص ۵۱، سال ۱۳۷۲، ش ۷۴ و ۷۳.
۲۴. نویمان، فرانتس، «آزادی و قدرت و قانون»، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳ ش.

#### پانویس

۱. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۷۰.
۲. ↑ جعفری، مجدتقی، تحقیق در «نظام حقوق جهانی بشر...»، ص ۲۲۰، تهران، دفتر خدمات حقوقی، چ ۱، ۱۳۷۰ ش.
۳. ↑ جعفری، مجدتقی، تحقیق در «نظام حقوق جهانی بشر...»، ص ۲۲۶، تهران، دفتر خدمات حقوقی، چ ۱، ۱۳۷۰ ش.
۴. ↑ جعفری، مجدتقی، تحقیق در «نظام حقوق جهانی بشر...»، ص ۲۲۰، تهران، دفتر خدمات حقوقی، چ ۱، ۱۳۷۰ ش.
۵. ↑ جعفری، مجدتقی، تحقیق در «نظام حقوق جهانی بشر...»، ص ۲۲۶، تهران، دفتر خدمات حقوقی، چ ۱، ۱۳۷۰ ش.
۶. ↑ جعفری، مجدتقی، تحقیق در «نظام حقوق جهانی بشر...»، ص ۲۲۶، تهران، دفتر خدمات حقوقی، چ ۱، ۱۳۷۰ ش.
۷. ↑ خسروشاهی، قدرت‌الله، دانش‌پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ص ۲۹۲ تا ۳۰۰، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، ۱۳۷۹ ش.

#### منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «جایگاه آزادی عقیده و بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۰۳/۲۰.

رده‌های این صفحه : اعلامیه جهانی حقوق بشر | آزادی بیان | آزادی عقیده | قانون اساسی | حقوق اسلامی | حقوق بشر